

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

خورشید

۰۸ اپریل ۲۰۲۵

چه کسانی از ستم بر زنان سود می برند؟

توضیح پیام فدائی: توضیح: آنچه در زیر می‌آید متن سخنرانی رفیق خورشید با عنوان "چه کسانی از ستم بر زنان سود می‌برند؟" می‌باشد که در تاریخ ۹ مارچ ۲۰۲۵ در برنامه‌ای که برای بزرگداشت ۸ مارچ روز جهانی زن، در اتاق "بذره‌های ماندگار" چریکهای فدائی خلق ایران در کلاب هاوس برگزار شد، صورت گرفت. فایل صوتی این برنامه در کلاب هاوس موجود است.

همانطور که همه می‌دانیم در دنیای نابرابر امروز، فارغ از بحث مشکلات و نابرابری‌های اجتماعی که گریبانگیر جامعه ماست، در این میان رنجی که زنان کارگر به عنوان یک نیروی کاری کم بها متحمل می‌شوند، جلوه بارزی از عدم مساوات و دست کم انگاری این انسانها در مقابل کار پر مشقت با دستمزد کمتر (نسبت به دستمزد مردان)، می‌باشد؛ و بر کسی هم پوشیده نیست که در کشوری مانند ایران که به طور مشخص و آشکارا حافظ و مدافع سیستم سرمایه‌داری می‌باشد، تا چه حد این ستم علنی و آسیب رساننده است!

در کارخانه‌ها و بخش های تولیدی، زنان کارگر نه تنها در معرض استثمار اقتصادی هستند بلکه اغلب مجبور به کار در شرایط و محیط غیر استاندارد (گاه نمود و آلوده) بدون داشتن سیستم تهویه در محیط‌های در بسته و کارگاه‌های فاقد استانداردهای لازم، که معمولاً تحت پوشش هیچ گونه بیمه‌ای هم قرار ندارند، هستند؛ و این نکته نیز بسیار حائز اهمیت است که زنان کارگر در ایران به خاطر حجاب اجباری، رنج و آسیب بیشتری را در شرایط مشابه نسبت به جوامعی با آزادی حجاب، متحمل می‌شوند.

البته همواره این نیروی کار ارزان قیمت در معرض خطر اخراج هم قرار دارند و بیشتر از ترس همین اتفاق تن به انجام کارهای سخت با مزایا و حقوق پائین‌تر و حتی ساعات کاری طولانی‌تری می‌دهند.

نکته ای که من در اینجا می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم، این است که بررسی کنم که این ستم آشکار بر زنان و در حقیقت به نیمی از جمعیت جهان، ریشه در کجا دارد و از کجا به وجود آمده است؟ به طور مسلم همه ما می‌دانیم که از زمانی که کمون‌های اولیه از بین رفت، مالکیت خصوصی به وجود آمد و بر اساس آن هم جامعه طبقاتی پدیدار شد. به دلیل این که ابزار تولید در دست مردان بود و مردان با هدف این که دارائی خود را به فرزندان خود منتقل کنند، زنان را تحت سیطره خود قرار دادند و با این کار اولین نوع ستم در جامعه ای که در آن مالکیت خصوصی شکل گرفته بود،

پدیدار شد، یعنی ستم بر زن. انگلس در کتاب منشأ خانواده توضیح می‌دهد که با ظهور مالکیت خصوصی، نقش زنان از موقعیت برابر در جوامع ابتدائی به موقعیتی فرو دست و وابسته تقلیل یافت؛ و مطرح می‌کند که "اولین تناقض طبقاتی که در تاریخ به وجود می‌آید مقارن با تکامل تناقض بین مرد و زن در ازدواج یکتا همسری ست و اولین ستم طبقاتی مقارن است با ستم جنس مذکر بر مونث.

با به وجود آمدن مالکیت خصوصی و شکل‌گیری جوامع طبقاتی زن در مقایسه با مرد موجود درجه دوم شمرده شد و این زمینه ای برای استعمار زنان در نظام‌های طبقاتی و بعدها سرمایه داری فراهم کرد.

با تداوم جامعه طبقاتی زنان به تدریج به حاشیه رانده شدند. سیستم سرمایه داری اگر چه این امکان را به وجود آورد که زنان وارد بازار کار شوند ولی زنان را به عنوان نیروی کار ارزان و وابسته به کارهای کم درآمد محدود ساخت. این تحولات تاریخی پایه های ستم جنسیتی را در نظام اقتصادی مدرن بنا نهاد.

این را هم می‌دانیم که در جوامع سرمایه داری که یک نمونه آن همین ایران خودمان است، فرهنگ زن ستیزی و مرد سالاری بشدت رواج دارد و هر روز بیشتر و بیشتر هم می‌شود. از مظاهر این زن ستیزی در ایران که در واقعیت به صورت یک فرهنگ درآمده می‌توان به قوانین رسمی تقسیم ارث و دیه، حضانت فرزند، مسأله طلاق، حجاب اجباری، محدودیت های قانونی در زمینه های سفر، ازدواج و حتی کار کردن و نمونه های بسیار دیگر اشاره کرد. یا به طور مثال در جوامع سرمایه داری اروپائی هم به مسأله نام خانوادگی فرد که به صورت نرمال با نام خانوادگی پدر یکی‌ست، می‌توان اشاره کرد... در این مورد نمونه های زیادی وجود دارد که همه ما کم و بیش از آنها اطلاع داریم. همه این مسائلی که مطرح شد تأکید دوباره ایست بر این که هدف اصلی این واکنش‌های نهادینه شده در جامعه، در حقیقت القای درجه دوم بودن زن به عنوان یک عضو جامعه است و به این هدف رسمیت می‌بخشد.

اما برآستی نتیجه عملی و مادی این قضیه یا به عبارت دیگر جنس دوم شمردن زنان در چیست؟ چرا این موضوع به صورت کاملاً آگاهانه رسمیت دارد و دائماً تقویت می‌شود؟؟؟

باید بگویم که علت این موضوع در واقعیت به استعمار زنان در عرصه اقتصادی برمی‌گردد. اگر زن در افکار عمومی در کل جامعه به عنوان نیروی کار درجه دو در نظر گرفته شده باشد، آن وقت جامعه می‌پذیرد که زن در ازای کار برابر با مرد، دستمزدی پائین‌تر از مرد دریافت کند! مسلم است که سود این مسأله به جیب سرمایه داران می‌رود. بر کسی پوشیده نیست که زنان به طور خاص در بازار کار با تبعیض های ساختاری روبه رو هستند. به عبارت دیگر در حالی که زنان همانند مردان، نیروی کار تولیدی و ارزش افزوده را به سیستم اقتصادی سرمایه داری وارد می‌کنند، با دستمزدهای کمتر و شرایط مالی بدتر مواجه هستند. نظام سرمایه داری از ساختارهای تبعیض آمیز برای کاهش هزینه های تولید و افزایش سود استفاده می‌کند. می‌بینیم که یکی از ابزارهای شدت دادن به استثمار، قائل شدن تفاوت دستمزد بین مردان و زنان است، تفاوتی که در اکثر کشورها - که اتفاقاً به داشتن بالاترین حد دمکراسی هم مشهور شده‌اند- زنان برای انجام کار مشابه با مردان، دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. این تفاوت چه در حوزه اقتصادی و چه به لحاظ فرهنگی و اجتماعی بر اساس ایدئولوژی های نابرابر در جامعه توجیه می‌شود.

در جامعه ما سردمداران جمهوری اسلامی بر اساس فرهنگ زن ستیزانه شان طوری از پائین بودن مزد زن نسبت به مرد حرف می‌زنند که انگار این یک امر طبیعی است. مثلاً:

ویدیویی در فضای مجازی منتشر شد و احتمالاً بسیاری از شما دیده باشید که یکی از مسؤولان جمهوری اسلامی در یک مصاحبه تلویزیونی بعد از این که مجری خانم از او می‌پرسد که الان از نظر شما خانمها کار کنند یا نه، با وقاحت تمام پاسخ می‌دهد که من معتقدم که خانمها نباید وارد بازار کار شوند، چون وقتی وارد بازار کار می‌شوند کارفرما

نیروی کار را با پول (دستمزد) کمتری به کار می‌گیرد، در نتیجه آقایان بیکار می‌شوند خانم‌ها باید در خانه بمانند و به کارهای خود بپردازند تا کارفرما مجبور شود درآمد آقایان را بالا ببرد و مرد در نتیجه بتواند هم خودش را اداره کند و هم خانواده اش را... برآستی اقدام ارتجاعی حذف زنان از بازار کار با اتکاء به فرهنگ مردسالاری و طبیعی جلوه دادن پرداخت مزد کمتر به زن در گفته این مسؤول مرتجع جمهوری اسلامی چقدر آشکاره!

به هر حال نتیجه این است که اشاعه فرهنگ مردسالاری در جامعه و تقویت مکرر آن با استفاده از رسانه های عمومی و سوشال مدیا و غیره و غیره باعث می‌شود که جامعه به صورت ناخود آگاه بپذیرد که زن مزد کمتری دارد؛ بدیهی است که این مسأله به سود سرمایه داران و سیستم سرمایه داری است. می‌بینیم که قوانین تحمیل شده توسط جمهوری اسلامی به زنان همواره ستمی مضاعف علیه آنان است. به واقع زنان در ایران نه تنها از جنبه اقتصادی بلکه از منظر فرهنگی و قانونی و اجتماعی هم که مبتنی بر ایدئولوژی مذهبی است، تحت ستم و استثمار قرار می‌گیرند. به این نکته هم اشاره کنم که نظام سرمایه داری هر زمانی که با بحران مواجه نشده باشد به زنان اجازه می‌دهد که برای سود بیشتر در خدمت تداوم و تقویت سرمایه داری بمانند، اما به محض بحران، اولین گروهی که تعدیل نیرو می‌شوند، همیشه زنان بوده اند.

یک نمونه جالب در کشور انگلستان در قرن نوزدهم در اینجا ذکر بکنم که نشان می‌دهد چون مسأله اصلی برای سرمایه داران کسب سود از استثمار کارگران است، ما در تاریخ با نمونه دیگری هم مواجه بودیم. موضوع در مورد این اولین کشور سرمایه داری و صنعتی، این بود که برای کار در کارگاهها و کارخانه های نساجی چون انگشت مردان درشت‌تر از انگشت زنان بود در یک دوره ای اغلب مردان کارگر خانه نشین شده بودند و به جای آنها زنانشان به کارخانه می‌رفتند و کار می‌کردند. در واقع به خاطر ظرافت انگشتان زنان در اینجا برای انجام این کار به نیروی کار آنان نیاز بود. در این دوره مردان از این که خانه نشین شده بودند خجالت زده بودند و سعی می‌کردند انجام کارهای خانگی که به دوششان افتاده بود را از دیگران پنهانش کنند.

برگردیم به جامعه خودمان، واقعیت این است که جمهوری اسلامی حافظ و مدافع سیستم سرمایه داری جهانیست و حاکمان و سردمداران آن با تقویت و حمایت و گسترش هرچه بیشتر این سیستم فاسد و پوسیده، در درجه اول جیب های گشاد خود را با دزدی و غارت منابع اقتصادی و مالی که متعلق به توده های رنج دیده و تحت فشار ایران است، پر می‌کنند. به این دلیل آنها همواره از قوانین و مناسبات ضد انسانی این نظام و از جمله زن ستیزی آن سود جسته و به نفع خود از آن بهره برداری می‌کنند.

به هر حال تا جایی که به مبارزه برای رفع ستم مضاعف به زنان برمی‌گردد، تجربه بخوبی نشان داده که مبارزه طبقاتی و اتحاد زنان و مردان کارگر، زمینه ساز تحولات عظیم انقلابی در جهت ایجاد جامعه ای به سوی برابری و عدالت خواهد شد. مارکس و انگلس و لنین هم بر این نکته تأکید دارند که مبارزه برای حقوق زنان تنها به عنوان یک جنبش مستقل نمی‌تواند به تغییرات اساسی منجر شود بلکه این مبارزه باید به طور سیستماتیک جزئی از یک انقلاب بزرگ اجتماعی باشد که تمامی ساختارهای استثماراری را به نبرد فراخوانده و آنها را نابود کند. بنابراین برای رسیدن به جامعه ای بدون تبعیض که حقوق مسلم و ابتدائی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نادیده گرفته می‌شود، باید تمام ساختارهای استثماراری تغییر کنند و زنان به طور کامل از بندهای تبعیض آمیز رها شوند. این مسأله در جامعه ای متحقق خواهد شد که مردان نیز از تمام حقوق و امکانات اولیه زندگی برخوردار بوده و آنان نیز تحت ستم های اقتصادی و اجتماعی از طرف نظام حاکم و سیستم سرمایه داری نباشند. اهمیت همدلی و همسانی و اتحاد زنان و مردان برای دستیابی به این مهم، آنجا آشکار می‌شود که مدافعان این سیستم و نظام پوسیده و ضد مردمی دیکتاتوری سرمایه

داری تلاش در نابرابر خواندن زنان و مردان و عملی کردن آن دارند؛ و این اتحاد و همدلی ترسیست که دائماً وجود مدافعان و نفع برندگان این سیستم را می‌لرزاند .

بنابراین با آگاهی از این که ستم مضاعفی که بر زنان می‌رود نه یک پدیده اتفاقی، بلکه نتیجه ای مستقیم از پیوند سرمایه داری و مناسبات مذهبی و فرهنگی است که عرصه را روز به روز برای زنان تنگ تر می‌کند باید برای رهایی واقعی بنیان نظام طبقاتی و سیستم سرمایه داری با یک انقلاب مردمی که زنان و مردان متحدانه در کنار یکدیگر خواهان برابری واقعی باشند در هم شکسته شود .

در آخر صحبت‌م باز تأکید کنم که با ایجاد یک جامعه ای که در آن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید از بین برود می‌توان به برابری واقعی زنان و مردان در جامعه دست یافت. ستم بر زن در فرآیندی بوده است که در هم تنیدگی غیر قابل انکار ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و مذهبی و فرهنگی را مشخص می‌کند. این در هم تنیدگی در دراز مدت تداوم داشته و به نقطه امروزی خود رسیده است. پس بدون تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، رهایی زنان و به ویژه زنان کارگر از استثمار امکان پذیر نخواهد بود.

پس باید تأکید کرد که رهایی واقعی انسانها جز با نابودی بنیادین سیستم طبقاتی و در کل سیستم سرمایه داری به دست نخواهد آمد و برابری و مساوات بدون از بین رفتن و محو شدن طبقات اجتماعی توهمی بیش نیست. در چنین وضعیتی است که برابری زنان و مردان به مفهوم واقعی برقرار خواهد شد و زن و مرد از حقوق مساوی برخوردار خواهند شد.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران شماره ۳۰۶، اسفند- حوت- ۱۴۰۳